

ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی

نصور احمدی^۱، بهروز عبدلی^۲، و فریبا حسن بارانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی بود. بدین منظور، ۲۹۴ مرد و زن به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از باشگاه‌های ورزشی شهر تهران انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری، مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی بود که خرده‌مقیاس‌های تکلیف‌مداری و خودمداری را شامل می‌شد. جهت آزمون روایی سازه نیز از تحلیل عامل تأییدی استفاده گردید و پایایی پرسش‌نامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ تحلیل گشت که ضرایب پایایی آلفای کرونباخ برای عوامل تکلیف‌مداری و خودمداری به ترتیب معادل (۰/۷۸) و (۰/۹۰) به دست آمد. شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم نشان می‌دهد که شاخص‌های مطلق ($GFI=0/96$ و $\chi^2/df=2/13$)، تطبیقی ($CFI=0/98$ و $TLI=0/96$) و مقتصد ($PNF=0/60$)، $PCFI=0/61$ و $RMSEA=0/06$ در دامنه قابل قبولی قرار دارند. در مجموع، نسخه فارسی مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی با دو عامل مورد تأیید قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: روایی، پایایی، تکلیف‌مداری، خودمداری، فعالیت بدنی

مقدمه

در عصر حاضر اثرات مثبت فعالیت بدنی^۱ بر هیچ‌کس پوشیده نمی‌باشد؛ اما اهداف افراد برای شرکت در زمینه‌های مختلف فعالیت بدنی موجب ترغیب و ماندگاری آن‌ها در این زمینه می‌شود. نظریه "دستیابی به هدف"^۲ به‌عنوان عاملی مؤثر در درک انگیزه دستیابی افراد در زمینه‌های آکادمیک (هرکیوچ و لینن بریسک^۳، ۲۰۰۵، ص: ۸۰)، ورزش^۴ (هاروود و سوین^۵، ۱۹۹۸، ص: ۲۱۵) و فعالیت‌های بدنی (بیدل، دودا، پاپائیو و هاروود^۶، ۲۰۰۱، ص: ۴۵۸؛ اسپری، بیدل و فاکس، ۱۹۹۹؛ ونگ و چت زاسارانتیس^۷، اسپری و بیدل، ۲۰۰۲، ص: ۲۱۹) به‌طور گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفته است.

در ارتباط با تفاوت فعالیت بدنی و ورزش می‌توان گفت که ماهیت هر دو، تمرین حرکتی است؛ اما در فعالیت بدنی، بحث تمرین غیرحرفه‌ای و عموم مردم مطرح می‌گردد که آثار سلامتی و تفریحی را در پی دارد؛ درحالی‌که در حوزه ورزش، آثار رقابت و ویژگی‌های برتری افراد تحت مسابقات نظام‌مند سنجیده می‌شود.

ازسوی‌دیگر، براساس پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌های آموزشی، این دیدگاه نشان می‌دهد که چگونه تفاوت در نحوه تعریف افراد مختلف از موفقیت و قضاوت آن‌ها در مورد توانایی‌های آن‌ها بر فرایندهای انگیزشی آن‌ها تأثیر خواهد گذاشت. دو بعد اصلی هدف، تکلیف و خود^۸ است و این عقیده وجود دارد که این دو بعد به‌طور متفاوتی بر شناخت،

عکس‌العمل‌ها و نمودهای رفتاری در مسیر پیشرفت هدف اثر می‌گذارند (پتريک و مارکلند^{۱۰}، ۲۰۰۸، ص: ۵۷).

در مفهوم توانایی، فرایند تکلیف‌مداری از موفقیت منعکس می‌شود که شامل: مهارت‌های فردی، تلاش‌های نشان‌داده‌شده، فعالیت شدید و پیشرفت در تکلیف موردنظر می‌باشد (دودا، ۲۰۰۱، ص: ۱۷۸). پیشرفت بیشتر در مهارت باعث بروز احساس موفقیت و افزایش توانایی‌ها می‌شود. اگر مهارت به‌دست نیامد می‌بایست استراتژی مورد بحث را دوباره اصلاح نمود (پتريک و مارکلند، ۲۰۰۸، ص: ۶۰). درمقابل، تأیید فرایندهای خودمدار با توانایی‌های فردی کافی و نمود توانایی‌های برتر فرد در ارتباط می‌باشد. موفقیت درونی (ذهنی)^{۱۱} در میان افراد با خودگرایی زیاد، مستلزم مقایسه‌های اجتماعی با تلاش‌های دیگران و پیشرفت آن‌ها است. به‌کار بستن حد پایینی از تلاش نشان‌دهنده توانایی بالا می‌باشد؛ درحالی‌که تلاش زیاد، توانایی کم را القا می‌کند (پتريک و مارکلند، ۲۰۰۸، ص: ۶۹). استراتژی‌های قابل‌تنظیم موفقیت تنها زمانی اتفاق می‌افتد که شایستگی درک‌شده^{۱۲} در حد بالا باقی بماند (دودا، ۱۹۹۲، ص: ۲۹۰). این تفاوت‌ها در ابعاد هدف در سطوح مختلف گرایش‌ها و حالات روان‌شناسی نشان داده می‌شود و به‌طور متفاوتی بر فرایند انگیزش دستیابی به موفقیت تأثیر می‌گذارد.

هرچند نظریه پیشرفت هدف، متخصصان را در درک انگیزه‌های فردی در مواقع مختلف راهنمایی کرده است؛ اما کاربرد آن در میان تمرین‌دهندگان تفریحی^{۱۳} و سلامتی^{۱۴} جای بحث دارد (رابرتز^{۱۵}،

1. Physical Activity
2. Achievement Goal Theory
3. Harackiewicz & Linnenbrisk
4. Sport
5. Harwood & Swain
6. Biddle, Duda, Papaioannou & Harwood
7. Spray, Biddle & Fox
8. Wang & Chatzisarantis
9. Task & Ego

10. Petherick & Markland
11. Subjective
12. Perceived Competence
13. Recreational Exercisers
14. Health-Related Exercisers
15. Roberts

پرسش‌نامه تکلیف‌مداری و خودمداری در ورزش از نظر ایجاد مغایرت در مقیاس تکلیف و تعریف ارائه شده از تلاش‌محوری (درک فردی از قابلیت‌ها) با مفاهیم مرتبط (مانند تلاش، یادگیری و لذت) (هادری^۵، ۱۹۹۸، ص: ۲۱۵) مورد انتقاد قرار گرفت. از آنجایی که هر دو محور از نظر تئوری در تعامل هستند، افراد خودمحور نمی‌توانند چنین فرایندها و نتایجی را تجربه نمایند و این امر می‌تواند سؤال‌برانگیز باشد. افراد خودمحور می‌توانند تا زمانی که انتظارات آن‌ها از موفقیت برآورده شود، از لذت فعالیت کردن برخوردار شوند (نشان دادن توانایی). همچنین، افراد خودمحور یا تلاش‌محور ممکن است در موارد مربوط به تلاش در پرسش‌نامه تکلیف‌مداری و خودمداری در ورزش به‌طور یکسان پاسخ داده و تفاوت‌های موجود میان این دو محور هدف را کاهش دهند. در این راستا، پتریک و همکاران (۲۰۰۳) به‌طور مشخص اصول مورد استفاده در ۲۱ مورد مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی را گزارش نکردند. می‌توان این‌گونه برداشت کرد که پرسش‌نامه تکلیف‌مداری و خودمداری در ورزش "من/حساس موفقیت بیشتری در ورزش دارم زمانی که ... برای ورزش قهرمانی قابل‌تنظیم می‌باشد. ارتباط کلمه موفقیت برای کاربرد در زمینه فعالیت بدنی سؤال‌برانگیز است؛ زیرا، مفهوم برنده شدن را القا می‌کند که بیشتر در شرایط رقابتی قابل‌کاربرد می‌باشد. اگرچه نویسندگان اظهار می‌کنند که نوع تمرین ارزیابی شده است (ایروبیکی در مقابل تمرین وزنه)؛ اما نوع تمرین ایروبیکی که توسط پاسخ‌دهندگان ارزیابی شده است، مشخص نمی‌باشد. علاوه بر این، ۶۳ نفر از شرکت‌کنندگان تمرین را به‌عنوان بخشی از آموزش برای رقابت در نظر گرفته بودند که این عدد ۳۰/۹ درصد از افراد نمونه را شامل

۲۰۰۱، ص: ۴). مسأله مهم این است که آیا اهداف فردی و تکلیفی به فعالیت‌های جسمانی که به‌طور مستقیم به شایستگی‌ها و مهارت‌های جسمانی مرتبط نمی‌شوند، ارتباط دارد یا خیر؟ شایان‌ذکر است که فعالیت بدنی تفریحی انگیزه‌ها را تثبیت می‌کند و این امر نشان‌دهنده پیشرفت فردی و رقابت است که به‌ترتیب مشخصه اهداف فردی و تکلیفی می‌باشد. برخی از مطالعات، هدف‌محوری را در تفریحات جوانان (فرمان‌بر، حیدرنیا، حاجی‌زاده و نینامی، ۲۰۰۹، ص: ۲۵۲) و فعالیت‌های بدنی بزرگسالان (گیل، ویلیامز، دود، بیودین و مارتین^۱، ۱۹۹۶، ص: ۳۱۰) گزارش کرده‌اند. ایجاد یک وسیله سنجش به‌لحاظ نظری برای ارزیابی این اهداف لازم می‌باشد. یکی از پژوهش‌های انجام‌گرفته توسط کیل‌پاتریک و همکاران^۲ (۲۰۰۳)، امکان‌سنجی ابعاد هدف (تکلیف و خود) در فعالیت بدنی را با گسترش هدف‌محوری در مقیاس فعالیت بدنی مورد مطالعه قرار داد (مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی^۳). مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی برای فراهم کردن یک اندازه‌گیری معتبر از ارتباط فعالیت بدنی در محوریت هدف به‌وجود آمده است. طبق اظهارات نویسندگان، سنجش به‌دست‌آمده با توجه به یک پرسش‌نامه سه موردی در ارتباط با جایگاه عامل تکلیف و خود (تکلیف‌مداری و خودمداری در پرسش‌نامه ورزشی^۴) (دود، ۱۹۹۲، ص: ۲۹۰) در ورزش قهرمانی به‌دست آمد. هرچند گسترش چنین سنجش‌هایی قابل‌تحسین است؛ اما مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی دارای محدودیت‌هایی نیز می‌باشد که در نظر گرفتن این موارد برای درک بیشتر پژوهش انگیزه فعالیت بدنی به‌لحاظ نظری اهمیت دارد. در این ارتباط، ابتدا

1. Gill, Williams, Dowd, Beaudoin & Martin
2. Kilpatrick
3. Goal orientation Exercise Scale
4. Task & Ego Orientation in Sport Questionnaire

5. Hardy

پژوهش حاضر بررسی روایی و پایایی مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی در ارتباط با فرهنگ ایران بود.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی بوده و به‌لحاظ جمع‌آوری داده‌ها توصیفی - پیمایشی می‌باشد که به‌طور مشخص متکی بر مدل اندازه‌گیری "معادلات ساختاری" بوده و به‌صورت میدانی اجرا شده است.

شرکت‌کنندگان

شرکت‌کنندگان در پژوهش را ۲۹۴ مرد و زن از باشگاه‌های ورزشی پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهر تهران تشکیل دادند و نمونه‌گیری به‌صورت طبقه‌ای صورت گرفت.

ابزار و شیوه گردآوری داده‌ها

ابزار اندازه‌گیری، مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی بود که در سال (۲۰۰۸) توسط پتریک و مارکلند از مقیاس اولیه ۲۱ آیتی به ۱۰ آیتیم کاهش یافت. این مقیاس شامل ۱۰ مؤلفه در مقیاس پنج امتیازی لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) بوده و دو خرده‌مقیاس تکلیف‌مداری و خودمداری را شامل می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که این مقیاس در حوزه‌های فعالیت بدنی برای تمرین‌دهندگان و پژوهشگران مناسب می‌باشد؛ اما محدودیت‌هایی نیز دارد که نیازمند بررسی بیشتر است.

روش اجرای پژوهش

مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی ابتدا توسط یک فرد مسلط به زبان انگلیسی به فارسی ترجمه گردید. سپس، به سه متخصص آشنا به موضوع پژوهش و زبان انگلیسی ارائه شد تا اشکالات و ابهامات آن رفع گردد و دوباره به زبان انگلیسی بازگردانده شد تا روایی محتوای آن مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه، پرسش‌نامه بین شرکت‌کنندگان توزیع گردید و آن‌ها

می‌شود و می‌تواند باعث ایجاد مغایرت در ارزیابی هدف مرتبط با تمرین^۱ گردد. در این ارتباط، پتریک و مارکلند (۲۰۰۸) به بررسی محدودیت‌های مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی پرداختند و آن را با عنوان "سنجش یا مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی"^۲ معرفی نمودند. هدف پژوهش آن‌ها توسعه سنجش هدف‌مداری مرتبط با فعالیت بدنی بود تا بدین طریق تمرین‌دهندگان و پژوهشگران درک بهتری از انگیزش در فعالیت بدنی برای اهداف تفریحی و سلامتی داشته باشند. شرکت‌کنندگان در این پژوهش را ۳۷۲ مرد و زن از ۱۶ باشگاه فعالیت جسمانی تفریحی در جنوب انگلستان تشکیل دادند. نتایج حاکی از آن بود که تحلیل عاملی تأییدی از مدل دو عاملی اهداف خودمدار و تکلیف‌مدار حمایت نموده و بین جنسیت‌ها ثبات وجود دارد. لازم‌به‌ذکر است که همسانی درونی برای خرده‌مقیاس‌های تکلیف و خود به‌ترتیب معادل (۰/۷۸) و (۰/۸۸) بود. علی‌رغم این‌که یافته‌های این پژوهش نشان داد که این مقیاس برای سنجش هدف‌مداری در حوزه‌های فعالیت بدنی برای تمرین‌دهندگان و پژوهشگران مناسب می‌باشد و مگنوس و همکاران (۲۰۱۰) نیز از این مقیاس در پژوهش خود استفاده نمودند و به نتایج مطلوبی دست یافتند (مگنوس، کوالسکی و مک‌هیوج^۳، ۲۰۱۰. ص: ۳۶۷)؛ اما این پژوهش دارای محدودیت‌هایی نیز می‌باشد؛ به‌طوری‌که به مطالعات بیشتری برای تعیین جایگزین‌سازی ساختار عامل مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی و بررسی روایی ساختار آن نیاز است (که این امر یکی از اهداف پژوهش حاضر بود). علاوه‌براین، با توجه به این‌که نسخه فارسی این پرسش‌نامه موجود نبوده و تفاوت فرهنگ در تعیین روایی ابزار روان‌شناسی بسیار مؤثر می‌باشد، هدف از

1. Exercise Related Goal
2. Goal Orientation in Exercise Measure
3. Magnus, Kowalski & McHugh

پس از جلسه تمرینی خود پرسش‌نامه را تکمیل نمودند.

روش پردازش داده‌ها

به منظور آزمون روایی سازه پرسش‌نامه از تحلیل عامل تأییدی و نرم‌افزار آموس^۱ نسخه ۱۸ استفاده شد. شایان‌ذکر است که در تحلیل عاملی تأییدی از شاخص‌های زیر جهت آزمون نیکویی برازش مدل از طریق داده‌ها استفاده گردید: نسبت مجذور کای به درجه آزادی کوچک‌تر از سه، شاخص نیکویی برازش بالاتر از (۰/۹۰)، شاخص‌های برازش تطبیقی و توکر - لویس بالاتر از (۰/۹۰)، شاخص برازش هنجار شده و تطبیقی مقتصد بالاتر از (۰/۵۰) و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد کمتر از (۰/۰۸). همچنین، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، همسانی درونی سؤالات هر خرده‌مقیاس بررسی گردید.

همچنین، $(P=۰/۰۰۰۴, df=۴۵)$ روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس نشان داد که دو عامل تکلیف‌مداری و خودمداری در مجموع ۶۴ درصد از واریانس کل سؤالات را تبیین می‌نمایند. در ارتباط با همسانی درونی سؤالات هر خرده‌مقیاس نیز نتایج آزمون آلفای کرونباخ حاکی از آن بود که ضریب پایایی عامل تکلیف‌مداری معادل (۰/۷۸) و عامل خودمداری برابر با (۰/۹۰) است که نشان‌دهنده همسانی درونی مناسب سؤالات هر خرده‌مقیاس می‌باشد. شایان‌ذکر است که شیوه حذف سؤال به سؤال برای بررسی مجدد همسانی درونی باعث افزایش ضریب آلفا نشده است. در مرحله بعد با استفاده از نرم‌افزار آموس، تحلیل عاملی تأییدی برای آزمون برازش مدل استخراجی از طریق داده‌ها صورت گرفت. شاخص‌های برازش مدل

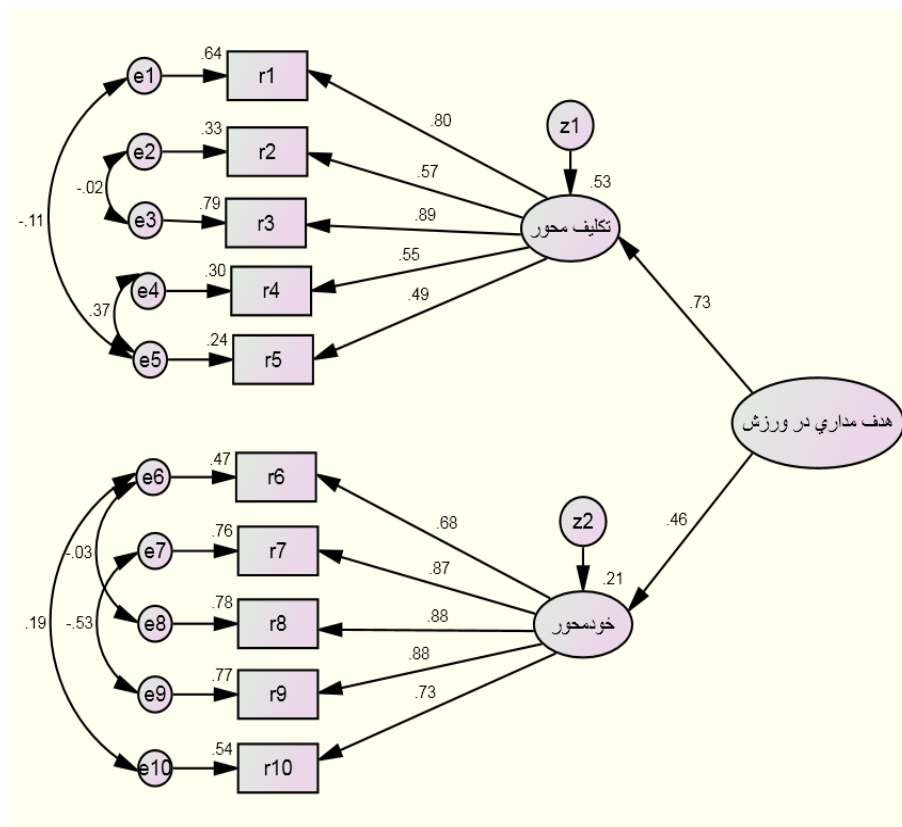
عاملی تأییدی مرتبه دوم در جدول شماره دو نشان می‌دهد که شاخص‌های مطلق $(GFI=۰/۹۶)$ و $(TLI=۰/۹۶)$ و $(CFI=۰/۹۸)$ تطبیقی $(\chi^2/df=۲/۱۳)$ و مقتصد $(PNF=۰/۶۰)$ ، $(PCFI=۰/۶۱)$ و $(RMSEA=۰/۰۶)$ در دامنه قابل‌قبولی قرار دارند. در مجموع، نسخه فارسی مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی با ۱۰ سؤال مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر آزمون کایزر - مایر - الکین کفایت حجم نمونه $(KMO=۰/۸۴)$ و آزمون کرویت بارتلت توانایی عاملی‌شدن داده‌ها را تأیید نمود $(\chi^2=۱۴۱۹)$ ،

جدول ۱- شاخص‌های برازش مدل عاملی تأییدی مرتبه دوم برای مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی

مدل تدوین شده درجه آزادی=۲۸		شاخص	
دامنه قابل قبول			
۰/۹۶	۰/۹۰-۱	شاخص نیکویی برازش	مطلق
۲/۱۳	≤۳	نسبت مجذور کای به درجه آزادی	
۰/۹۸	۰/۹۰-۱	شاخص برازش تطبیقی	تطبیقی
۰/۹۶	۰/۹۰-۱	شاخص توکر - لويس	
۰/۶۰	۰/۵۰-۱	شاخص برازش هنجار شده مقتصد	مقتصد
۰/۶۱	۰/۵۰-۱	شاخص برازش تطبیقی مقتصد	
۰/۰۶	۰-۰/۰۸	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	



شکل ۲- بارهای عاملی استاندارد شده مدل اندازه‌گیری سوالات مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی محدودیت‌ها و روایی ساختار مقیاس هدف‌مداری پتربیک و مارکلند (۲۰۰۸) و نیز تعیین روایی و پایایی آن با توجه به فرهنگ ایران بود. جهت تعیین روایی محتوا از روش استاندارد ترجمه - بازترجمه و نظر متخصصان استفاده شد. این روش برای استفاده از ابزارهای خارجی با بستر فرهنگی متفاوت، روش قابل قبول و مناسبی می‌باشد (چهرئی، حق دوست، فرشته‌نژاد و بیات، ۱۳۸۹). تحلیل عاملی بهترین ابزار برای تعیین روایی ساختار، به‌ویژه در زمینه روان‌سنجی ابزار می‌باشد. با استفاده از تحلیل عاملی می‌توان مجموعه اصلی متغیرها را به تعداد کمتری از متغیرها کاهش داد. این روش به بررسی هم‌بستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت، آن‌ها را در قالب عامل‌های عمومی محدودی دسته‌بندی می‌کند (فرمان‌بر، نینامی، حیدرنیا و حاجی‌زاده، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر، تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که شاخص‌های مطلق، تطبیقی و مقتصد در دامنه قابل‌قبولی قرار دارند. همچنین، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده به‌نظر می‌رسد که پرسش‌نامه ۱۰ سؤالی هدف‌مداری در فعالیت بدنی (ترجمه‌شده به فارسی) از پایایی مناسبی برخوردار است؛ به‌طوری‌که ضریب آلفای کرونباخ که بیانگر تجانس ابزار اندازه‌گیری می‌باشد، برای خرده‌مقیاس تکلیف‌مداری برابر با (۰/۷۸) و برای خودمداری معادل (۰/۹) بود که نشان‌دهنده همسانی درونی هر خرده‌مقیاس است. در یک دسته‌بندی عنوان شده است که آلفای کرونباخ بالاتر از (۰/۹) بیانگر پایایی بسیار عالی، آلفای بین (۰/۷) تا (۰/۹) بیانگر پایایی خوب، آلفای بین (۰/۵) تا (۰/۷) بیانگر پایایی متوسط و آلفای کمتر از (۰/۵) نشانگر پایایی غیرقابل‌قبول خواهد بود (چهرئی و همکاران، ۲۰۱۰، ص: ۳۹). براساس این طبقه‌بندی،

آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده در این پژوهش برای هر دو خرده‌مقیاس خوب بوده و حذف هیچ‌یک از سؤالات باعث افزایش آلفا نشده است؛ بنابراین، نیاز به حذف هیچ‌یک از سؤالات نمی‌باشد. در این ارتباط، یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش پتربیک و مارکلند (۲۰۰۸) و پتربیک و ویگند (۲۰۰۲) هم‌راستا است. پتربیک و مارکلند (۲۰۰۸) در پژوهش خود یک مدل ۱۰ آیتمی دو فاکتوری را مطرح نمودند و مدل دو فاکتوری ۲۱ آیتمی را تعدیل کردند. پتربیک و ویگند (۲۰۰۲) نیز الگوی هم‌بستگی بین شاخص‌های انگیزشی خودتنظیمی، تکلیف‌مداری و خودمداری را مطرح نمودند و شواهد اولیه‌ای را برای روایی GOEM فراهم آوردند. در پژوهش آن‌ها اهداف تکلیف به‌طور معنادار و مثبتی با انگیزشی خودتنظیمی، بیشتر مرتبط بود. همان‌طور که مطرح شد، هدف‌مداری بر شناخت و رفتار افراد در دستیابی به هدف اثر می‌گذارد؛ بنابراین، بررسی تأثیر آن برای ترغیب و ماندگاری افراد جهت شرکت در زمینه‌های مختلف فعالیت بدنی مناسب خواهد بود و برای بررسی این اثر به یک ابزار سنجش نیاز می‌باشد. یکی از مطالعات انجام‌شده در این زمینه، پژوهش پتربیک و همکاران (۲۰۰۳) است. آن‌ها در این پژوهش مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی را با استفاده از پرسش‌نامه تکلیف‌مداری و خودمداری در ورزش ایجاد نمودند. شایان‌ذکر است که این پژوهش محدودیت‌های بسیاری داشت و در میان سؤالات آن ابهاماتی در زمینه ورزش قهرمانی و فعالیت بدنی مشاهده می‌شد. براین‌اساس، پتربیک و مارکلند (۲۰۰۸) به بررسی محدودیت‌های مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی پرداختند و آن را تحت عنوان "مقیاس یا سنجش هدف‌مداری در فعالیت بدنی"^{۱۱}

محدودیت‌های پژوهش پتریک و مارکلند (۲۰۰۸) را رفع نموده و شواهد بیشتری را برای روایی ساختار آن مطرح نماید. علاوه بر این، هدف دیگر پژوهش حاضر بررسی روایی و پایایی مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی با توجه به فرهنگ ایران بود که در پایان، نتایج آن را تأیید کرد. با توجه به نیاز به یک وسیله سنجش جهت شناسایی اهداف افراد در زمینه‌های مختلف فعالیت بدنی و برآزش خوب مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی که در این پژوهش با توجه به فرهنگ ایران نیز بررسی گردید، پیشنهاد می‌شود که مربیان، درمان‌گران و تمرین‌دهندگان در باشگاه‌های فعالیت بدنی، تفریحی و سلامتی از این مقیاس برای شناسایی اهداف افراد بهره ببرند تا براساس آن بتوانند تمایل افراد برای شرکت و ماندگاری در جلسات تمرینی را افزایش دهند.

معرفی نمودند. هدف آن‌ها توسعه سنجش هدف‌مداری مرتبط با فعالیت بدنی بود تا بدین وسیله تمرین‌دهندگان و پژوهشگران درک بهتری از انگیزش در فعالیت بدنی برای اهداف تفریحی و سلامتی داشته باشند. علی‌رغم این که شواهد پژوهش پتریک و مارکلند (۲۰۰۸) نشان داد که مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی برای سنجش هدف‌مداری در حوزه‌های فعالیت بدنی برای تمرین‌دهندگان و پژوهشگران مناسب است و مگنوس و همکاران (۲۰۱۰) نیز از این مقیاس در پژوهش خود استفاده نموده و به نتایج مطلوبی دست یافتند؛ اما این پژوهش دارای محدودیت‌هایی نیز بود و جهت تعیین روایی ساختار آن به مطالعات بیشتری احساس نیاز می‌شد که این موارد در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت و یافته‌های این پژوهش توانست

منابع

- Biddle, S., & Goudas, M. (1996). Analysis of children's physical activity and its association with adult encouragement and social cognitive variables. *Journal of School Health*, 66(2), 75-78.
- Biddle, S. J., Duda, J. L., Papaioannou, A., & Harwood, C. (2001). Physical education, positivism, and optimistic claims from achievement goal theorists: A response to Pringle (2000). *Quest*, 53(4), 457-70.
- Chehrei, A., Haghdoost, A., Freshtehnezhad, M., & Bayat, A. (2010). *Statistical analysis in medical research using SPSS software*. Pezhvak Elm Aria. Tehran, Iran. pp:39.
- Duda, J. L. (2001). Achievement goal research in sport: Pushing the boundaries and clarifying some misunderstandings. In Roberts G. C. (Ed.), *Advances in Motivation in Sport and Exercise, Champaign, IL: Human Kinetics*. Pp.129, 182.
- Duda, J. L., & Nicholls, J. G. (1992). Dimensions of achievement motivation in schoolwork and sport. *Journal of Educational Psychology*, 84(3), 290.
- Farmanbar, R., Heidarnia, A., Hajizadeh, A., & Ninami, S. (2009). Validity and reliability of questionnaire-2 of the behavioral regulations in exercise in Iran. *Journal of Kermanshah University of Medical Sciences*, 13(3), 252-60. (In Persian).
- Gill, D. L., Williams, L., Dowd, D. A., Beaudoin, C. M., & Martin, J. J. (1996). Competitive orientations and motives of adult sport and exercise participants. *Journal of Sport Behavior*, 19(4), 307-318.
- Harackiewicz, J. M., & Linnenbrink, E. A. (2005). Multiple achievement goals and multiple pathways for learning: The agenda and impact of Paul R. Pintrich. *Educational Psychologist*, 40(2), 75-84.
- Hardy, L. (1998). Responses to the reactants on three myths in applied

- consultancy work. *Journal of Applied Sport Psychology*, 10(2), 212-19.
10. Harwood, C. (2002). Assessing achievement goals in sport: Caveats for consultants and a case for contextualization. *Journal of Applied Sport Psychology*, 14(2), 106-19.
11. Harwood, C., & Swain, A. (2001). The development and activation of achievement goals in tennis: I understanding the underlying factors. *Sport Psychologist*, 15(3), 319-41.
12. Kilpatrick, M., Bartholomew, J., & Reimer, H. (2003). The measurement of goal orientations in exercise. *Journal of Sport Behaviour*, 26(2), 121-36.
13. Leary, M. R. (1992). Self-presentational processes in exercise and sport. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 14(4), 339-351.
14. Spray, C., Biddle, S. J., & Fox, K. R. (1999). Achievement goals, beliefs about the causes of success and reported emotion in post-16 physical education. *Journal of Sports Sciences*, 17(3), 213-19.
15. Magnus, C. M., Kowalski, K. C., & McHugh, T. L. F. (2010). The role of self-compassion in women's self-determined motives to exercise and exercise-related outcomes. *Self and Identity*, 9(4), 363-82.
16. Petherick, C., & Weigand, D. (2002). The relationship of dispositional goal orientations and perceived motivational climates on indices of motivation in male and female swimmers. *International Journal of Sport Psychology*, 33(2), 218-37.
17. Petherick, C. M., & Markland, D. (2008). The development of a goal orientation in exercise measure (GOEM). *Measurement in Physical Education and Exercise Science*, 12(2), 55-71.
18. Roberts, G. C. (2001). Understanding the dynamics of motivation in physical activity: The influence of achievement goals on motivational processes. *Advances in Motivation in Sport and Exercise*, 100(2), 1-50.
19. Wang, C., Chatzisarantis, N. L., Spray, C. M., & Biddle, S. J. (2002). Achievement goal profiles in school physical education: Differences in self-determination, sport ability beliefs, and physical activity. *British Journal of Educational Psychology*, 72(3), 433-45.

استناد به مقاله

احمدی، ن. عبدلی، ب. و حسن بارانی، ف. (۱۳۹۶). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس هدف‌مداری در فعالیت بدنی. *مجله مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، (۲۰)، ۲۷-۳۶. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2017.1237.1127

Ahmadi, N., Abdoli, B., & Hasanbarani, F. (2017). Psychometric properties of Persian version of the goal orientation in exercise measure (GOEM). *Journal of Sport Psychology Studies*, 20, 27-36. (In Persian). Doi: 10.22089/spsyj.2017.1237.1127

پیوست

ضمن تشکر از همکاری شما، خواهشمند است موارد زیر را با دقت و صداقت تکمیل کنید.

ردیف	وقتی ورزش می‌کنم، حس می‌کنم همه چیز خوب پیش می‌رود، وقتی که :	کاملاً مخالفم	تا حدی مخالفم	نظری ندارم	تا حدی موافقم	کاملاً موافقم
۱	پیشرفت می‌کنم.					
۲	در سطحی ورزش می‌کنم که پیشرفت‌های فردی‌ام آشکار می‌شود.					
۳	احساس پیشرفت می‌کنم.					
۴	تا آن جایی که توان داشته‌باشم ورزش می‌کنم.					
۵	به هدف ورزشی‌ام که برای خودم مشخص کردم می‌رسم.					
۶	به خودم ثابت می‌کنم که من تنها کسی هستم که می‌تواند ورزش خاصی را انجام دهد.					
۷	می‌دانم که نسبت به دیگر ورزشکاران توانایی بیشتری دارم.					
۸	می‌توانم به دیگر ورزشکاران نشان دهم که بهتر از بقیه هستم.					
۹	می‌توانم به دیگران ثابت کنم که بهترین هستم.					
۱۰	هیچ کس نمی‌تواند به خوبی من ورزش کند.					

Psychometric Properties of Persian Version of the Goal Orientation in Exercise Measure (GOEM)

Nassour Ahmadi¹, Behrouz Abdoli², and Fariba Hasanbarani³

Received: 2015/07/15

Accepted: 2016/01/02

Abstract

The purpose of this research was to determine psychometric properties of the Persian version of the Goal Orientation in Exercise Measure (GOEM). 294 men and women were selected from sports clubs of Tehran through stratified random sampling. Measurement tool was Goal Orientation in Exercise Measure that includes of task and ego subscales. It was used confirmatory factor analysis (CFA) to test construct validity. The reliability of the questionnaire was analyzed using the Cronbach's alpha coefficient. The Cronbach's alpha reliability coefficients of task and ego factors was 0.78 and 0.90, respectively. The fit indices of second-order confirmatory factor analysis showed that absolute ($\chi^2/df=2.13$, GFI=0.96), comparative (CFI=0.98, TLI=0.96) and parsimony (PNFI=0.60, PCFI=0.61, RMSEA=0.06) indices are in acceptable range. In total, the Persian version of the Goal Orientation in Exercise Measure was confirmed by two factors.

Keywords: Validity, Reliability, Task Goals, Ego Goals, Exercise

1. Assistant Professor of Motor Behavior, Shahid Beheshti University (Corresponding Author)

Email: n_ahmadi@sbu.ac.ir

2. Associated Professor of Motor Behavior, Shahid Beheshti University

3. Ph.D. Student of Motor Behaviour, University of Tehran